



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

The Possibility of Receiving Mental and Physical Damages due to Confiscation of Property in the Iranian Legal System, while Comparing it with Human Rights Principles and the Practice of the Common Law Legal System

Hamid Khorshid Kordlar¹, Hossein Rostamzad^{2*}, Ehsan Javid¹

1. Department of Law, Mar.C, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

2. Department of Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ABSTRACT

Background and Aim: Following a judicial conviction, assets may be confiscated from the convicted person. Human rights sources, while respecting the functioning of the independent judiciary, recommend preserving the dignity and honor of the convicted person and this issue is also mentioned in the rules for the execution of sentences. However, mental and physical harm may be inflicted on the convicted person during the confiscation of property.

Method: This research was conducted using an analytical-descriptive method and attempted to identify the legal responsibilities for the harm caused to the convicted person during the confiscation of property.

Ethical Considerations: In all stages of writing, the research principles were followed.

Results: Sentence enforcement is carried out by the judicial and quasi-judicial systems and with the help of judicial officers, preventive measures are taken to prevent incidents. Therefore, in the context of legal enforcement, the harmful act/omission of an act cannot be attributed to the sentence enforcement unit. Given the similarity of the rules for paying blood money with civil liability, the judicial system cannot be held responsible for physical harm caused under these circumstances. However, regarding mental damage, there are many ambiguities in this regard and therefore, no specific mechanism is evident for the judiciary. In this regard, in the current situation with the current sentence enforcement mechanism, responsibility for compensating for mental damage cannot be attributed. In the common law of England and Canada, confiscation of corporate property against shareholders, confiscation of movable property of tax-exempt individuals in their presence and in the common law of Australia and the United States, confiscation of immovable property in the presence of individuals who are part of income groups 8, 9 and 10 are prohibited.

Conclusion: The final conclusion is that the sentence enforcement mechanism regarding the mental protection of the convicted person needs to be revised and in the current situation, due to its implementation within the framework of the law, civil and criminal liability cannot be attributed to the judicial system and quasi-judicial sentence enforcement units. However, in the event of a violation of these rules, while the rules for paying blood money are clear, there have been challenges regarding emotional damage due to the lack of specific judicial practice in this area. In addition, the causal relationships in this situation require explanation. In the common law legal system, emotional damages are determined by a forensic physician as part of the blood money.

Keywords: Confiscation of Property; Emotional Damage; Physical Injury; Enforcement of Judgments; Blood Money; Damage

Corresponding Author: Hossein Rostamzad; **Email:** rostamzad@yahoo.com

Received: April 03, 2025; **Accepted:** September 08, 2025; **Published Online:** February 24, 2026

Please cite this article as:

Khorshid Kordlar H, Rostamzad H, Javid E. The Possibility of Receiving Mental and Physical Damages due to Confiscation of Property in the Iranian Legal System, while Comparing it with Human Rights Principles and the Practice of the Common Law Legal System. *Medical Law Journal*. 2025; 19: e63.



امکان دریافت خسارت روحی و جسمی به سبب مصادره اموال در نظام حقوقی ایران، ضمن مقارنه با اصول حقوق بشر رویه نظام حقوقی کامن

حمید خورشید کردلر^۱، حسین رستمزاد^{۲*}، احسان جاوید^۱

۱. گروه حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: به دنبال محکومیت قضایی، ممکن است مالی از محکوم علیه مصادره شود. منابع حقوق بشری ضمن احترام به عملکرد دستگاه قضایی مستقل، حفظ شأن و کرامت محکوم را توصیه نموده و این مسأله در قواعد اجرای احکام نیز مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال ممکن است در حین مصادره اموال، خسارات روحی و جسمی به محکوم علیه وارد گردد.

روش: این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده و سعی در شناخت مسئولیت های حقوقی آسیب وارده به محکوم علیه در جریان مصادره اموال می باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش، مطابق با اصول تحقیق عمل گردید.

یافته ها: اجرای احکام توسط نظام قضایی و شبه قضایی انجام شده و با کمک ضابطین دادگستری، تدابیر پیشگیرانه از بروز حوادث ناگوار انجام می شود. بنابراین در شرایط اجرای قانونی، نمی توان فعل / ترک فعل زیانبار به واحد اجرای احکام منتسب نمود. با توجه به اشتراک قواعد پرداخت دیه با مسئولیت مدنی، نمی توان برای آسیب جسمی وارده تحت این شرایط، مسئولیتی متوجه نظام قضایی دانست، اما در خصوص خسارت روحی، ابهامات زیادی در این خصوص وجود داشته و بنابراین سازوکار خاصی برای دادگستری مشهود نیست. با این اوصاف در وضعیت کنونی با سازوکار فعلی اجرای احکام، نمی توان مسئولیت جبران خسارت روحی را منتسب دانست. در کامن لای انگلستان و کانادا، مصادره مال شرکت در مقابل سهامداران، مصادره مال منقول افراد معاف از مالیات با حضور آنان و در کامن لای استرالیا و ایالات متحده آمریکا مصادره مال غیر منقول در حضور اشخاصی که جزء گروه درآمدی ۸، ۹ و ۱۰ می باشند، ممنوع می باشد.

نتیجه گیری: نتیجه نهایی اینکه سازوکار اجرای احکام در خصوص حفاظت روحی از محکوم علیه، نیازمند بازنگری بوده و در وضعیت فعلی، به سبب انجام آن در چهارچوب قانون، نمی توان مسئولیت مدنی و کیفری را برای نظام قضایی و واحدهای شبه قضایی اجرای احکام برشمرد. با این حال در صورت تخطی از این قواعد، ضمن محرز بودن قواعد پرداخت دیه، در خصوص خسارت روحی، چالش هایی وجود داشته که به فقدان رویه قضایی مشخص در این حوزه بازمی گردد. ضمن اینکه روابط سببیت در این وضعیت نیازمند تشریح می باشد. در نظام حقوقی کامن لا خسارت روحی به عنوان بخشی از دیه، توسط پزشکی قانونی تعیین می گردد.

واژگان کلیدی: مصادره اموال؛ خسارت روحی؛ آسیب جسمی؛ اجرای احکام؛ دیه؛ خسارت

نویسنده مسئول: حسین رستمزاد؛ پست الکترونیک: rostamzad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Khorshid Kordlar H, Rostamzad H, Javid E. The Possibility of Receiving Mental and Physical Damages due to Confiscation of Property in the Iranian Legal System, while Comparing it with Human Rights Principles and the Practice of the Common Law Legal System. Medical Law Journal. 2025; 19: e63.

مقدمه

اقتدار نظام قضایی در اجرای احکام می‌باشد، در صورتی که احکام صادره قضایی به درستی اجرا نگردد، شأن و منزلت نظام قضایی مخدوش می‌گردد. در مسائل مدنی، واحد اجرای احکام مستقلی وجود داشته که دادورز مسئولیت اجرای آن را بر عهده دارد (۱). در احکام کیفری، دادسرا مسئول اجرای احکام می‌باشد (۲)، اما نهادهای اجرایی شبه‌قضایی همچون سازمان امور مالیاتی، شهرداری‌ها، سازمان ثبت اسناد و سازمان تأمین اجتماعی در حیطه روابط خود با ارباب‌رجوع دارای واحد اجرای احکام می‌باشند، البته به موجب تفسیر موسع از منابع حقوقی ناظر بر این سازمان‌ها و همچنین اقدامات اجرایی - قضایی مرتبط، همواره توصیه شده که با نظارت نماینده دادستان، مراحل اجرایی طی گردد و نهادهای غیر قضایی از اجرای مستقیم احکام خودداری نمایند (۳).

مصادره مال، لحظه بسیار سختی برای شخصی بوده که مال در تصرف وی قرار دارد. بنابراین ممکن است در حین مصادره مقاومت‌هایی از خود نشان دهد. شأن انسانی به حدی بالاست که در جای‌جای منابع حقوقی مختلف به لزوم حمایت از آن تأکید شده است. نهاد مستثنیات دین با هدف حمایت از شأن و منزلت بدهکار تأسیس گردیده است (۴۱). بنابراین رعایت اوضاع و احوال محکوم در حین مصادره یک ضرورت محسوب شده و واحد اجرای احکام ملزم به رعایت این مسأله می‌باشد. به جزء منابع حقوقی در کشور ما، این مسأله در منابع حقوق بشری نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

محکوم‌علیه که مال در تصرف وی مصادره می‌گردد، ممکن است از دو جهت آسیب ببیند. آسیب جسمی وارده به وی نیز دارای دو جنبه می‌باشد. ممکن است وی مستقیماً با مأمورین دولتی مقابله نماید (۴۲). در عین حال ممکن است تحمل مشاهده این وضعیت را نداشته و متحمل حملات قلبی و مغزی گردد، حتی اگر آسیب جسمی متوجه وی نباشد، ممکن است در این میان روح و روان وی آسیب ببیند.

آنچه به نظر می‌رسد اینکه حمایت از جسم و روح محکوم‌علیه یک وظیفه محسوب شده که دارای ابعاد بسیار گسترده می‌باشد. با این حال منابع حقوقی مرتبط تنها به صورت کلی

لزوم حمایت از شأن محکوم‌علیه را توصیه نموده و سازوکار دقیقی برای این مورد تعیین ننموده‌اند. در بررسی منابع اجرایی ضابطین دادگستری نیز جزئیات بیشتری در این خصوص مشهود می‌باشد، بنابراین در تشخیص فعل/ ترک فعل زیانبار مأمورین اجرا، ابهامات زیادی وجود داشته و در وضعیت خلأ حقوقی، ممکن است قضات در خصوص انتساب مسئولیت‌های حقوقی به مأمورین اجرای احکام، به صورت سلیقه‌ای برخورد نمایند (۴۳).

گزارش‌های متعددی مشهود بوده که محکوم‌علیه در حین مشاهده مصادره مال خود، از لحاظ روحی و جسمی آسیب دیده است. آسیب‌های روحی به مرور زمان خود را نشان داده و آسیب‌های جسمی ممکن است در آن واحد حادث گردد. در رویه قضایی کنونی کشور ما، در مسیر اجرای قانون مسئولیتی به پای قوه قضاییه و ضابطین وجود ندارد، لذا به چنین درخواست خسارتی رسیدگی نمی‌گردد. گزارش‌های علمی نشان داده که در کشورهای با نظام حقوقی کامن‌لا، محدودیت‌هایی در این خصوص وجود دارد و اصول حقوق بشر نیز کلیاتی ذکر نموده است. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که مصادره اموال بدون وجود محدودیت، مخدوش‌کننده برخی از اصول حقوقی خواهد بود. تحقیقات علمی به اهمیت وضع چنین محدودیت‌هایی توجه نموده‌اند، لذا از لحاظ تئوری و کاربردی ضرورت داشته که ضمن یک تحقیق علمی، آثار مصادره اموال بر روح و جسم محکوم‌علیه مورد مطالعه قرار گرفته تا زمینه‌ساز اصلاح قوانین فعلی باشد.

با این اوصاف محقق بر آن شد که مسئولیت مأمورین اجرای احکام، اعم از قضایی، اجرایی و ضابطیان دادگستری، در خصوص آسیب‌های جسمی و روحی وارده به محکوم‌علیه را مورد مطالعه قرار دهد.

این تحقیق از این حیث اهمیت دارد که جزئیات عملکرد مأمورین اجرای احکام به درستی مشخص نیست و این در حالی بوده که این رفتارها ممکن است به راحتی سبب آسیب‌های روحی و جسمی به محکوم‌علیه گردد. بنابراین نیاز است که برای رفع این خلأ حقوقی تحقیق علمی انجام شود.

۱. سازوکار حقوقی مصادره اموال: مصادره مال، یکی از مسائل شکلی دادرسی محسوب می‌گردد. در محل اجرای قانون، ممکن است مال مصادره گردد که از جنبه‌های مختلف قابل ملاحظه است.

در جریان دعاوی مدنی، مال محکومان به پرداخت مال یا دین، مصادره می‌گردد (۴).

در امورات کیفری به سبب جزای نقدی و یا صراحت مستقیم در مصادره اموال، نسبت به مجرم این عمل انجام می‌گردد (۵). سازمان ثبت اسناد و املاک در راستای اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا، از اختیار مصادره اموال برخوردار است (۴).

سازمان امور مالیاتی در راستای وصول مطالبات مالیاتی از اختیار مصادره اموال برخوردار است (۵).

شهرداری‌ها در راستای اجرای ماده ۱۰۰، حق تخریب املاکی را دارند که به صورت غیر مجاز ساخته شده است (۵).

موارد مذکور معروف‌ترین جنبه‌های مصادره اموال توسط سازمان‌های قضایی و شبه‌قضایی می‌باشد. هر یک از اقدامات فوق تحت نظارت منبع حقوقی خاص انجام می‌پذیرد که نیاز به تفسیر و تجزیه و تحلیل دارد.

۱-۱. قواعد اجرای احکام مدنی: قانون اجرای احکام در سال ۱۳۵۶ به تصویب رسید و مأمور اجرای احکام (دادورز) در راستای اجرای احکام قضایی حق مصادره اموال را دارد. گاه مال موردنظر به صورت عینی مورد اختلاف بوده و حکم دادگاه به مصادره آن می‌باشد. گاه به سبب دیگر دیون، مال مدیون بدل از دین مصادره می‌گردد (۶).

اگر در این منبع حقوقی تدقیق شود، چهارچوب حقوقی مصادره مال تشریح شده و حقوق محکوم‌علیه به صراحت بیان نشده است. با این حال قواعد آمره حقوقی در بخش‌های کیفری و مدنی، چنین ایجاب کرده که اگر محکوم‌علیه در مقابل دادورز مقاومت نمود، جدا از جرم‌انگاری این عمل به موجب ماده ۱۶ این منبع حقوقی، مأمورین اجرا می‌بایست در چهارچوب حقوق شهروندی، محکوم‌علیه را از محل اجرای حکم دور نمایند تا مانع اجرا از مسیر برداشته شود (۴۴). با توجه به جرم‌انگاری مقاومت در این مسیر، بنابراین انتساب

فعل زیانبار توسط محکوم‌علیه تعریف شده که شامل مقاومت در مقابل اجرای احکام توسط دادورز می‌باشد.

۱-۲. قواعد اجرای احکام کیفری: با توجه به ماهیت حقوق کیفری، حکم مصادره اموال در دادگاه کیفری به واسطه اجرای مجازات مصرح در قانون، جزای نقدی و جبران خسارت ناشی از جرم (موضوع ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری) صادر می‌گردد. مسأله اجرای احکام کیفری توأمان با تحقیقات مقدماتی، در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده و بنابراین دادسرا دارای دو مسئولیت: ۱- تحقیقات مقدماتی؛ ۲- اجرای احکام کیفری می‌باشد (۷).

شعب اجرای احکام کیفری توسط دادیاران و با نظارت دادسرا اداره می‌شوند (۸). بنابراین ممکن است مسئولیت مصادره مال بر عهده شعب دادیاری قرار گیرد. به مانند اجرای احکام مدنی، قانونگذار کیفری در این خصوص چندان به تفصیل سخن نگفته، اما حسب تدقیق در مواد حقوقی پراکنده، می‌توان چنین برداشت نمود که قواعد آمره حقوق کیفری چنین ایجاب می‌نماید که بیش از مجازات مقرر، هیچ مجازاتی بر مجرم اعمال نگردد. بنابراین مصادره مال می‌بایست به نحوی انجام شود که هیچ آسیبی متوجه مجرم و شخص دیگر نباشد (۹).

با این حال به مانند آنچه بیان شد، ممکن است آسیب‌هایی متوجه محکوم‌علیه گردد.

۲. آسیب وارده به محکوم‌علیه: با توجه به ارزش والای جان و مال انسان‌ها که در قانون بدان تأکید شده است. مصادره مال می‌بایست با رعایت حقوق محکوم‌علیه انجام شود، لذا در ابتدا اختارهای لازم داده شده، سپس با رعایت اصول حقوقی، مال از تصرف وی خارج شده و در نهایت اگر قصد مقاومت در مقابل مأمورین اجرای احکام وجود داشت، به طرق مقتضی و بدون ایراد آسیب به وی، مهار می‌گردد (۱۰). با این حال در چندین حالت ممکن است به محکوم‌علیه خساراتی وارد آید (۱۱):

۱- عدم مهار کامل محکوم‌علیه و به تبع آن آسیب جانی به وی در حین اجرای احکام؛

۲- ایجاد درگیری فیزیکی مابین محکوم‌علیه و مأمورین اجرا و به تبع آن ایراد جراحت به محکوم‌علیه؛

۳- مهار کامل محکوم‌علیه و حملات قلبی و مغزی به وی به واسطه فشار روانی ناشی از اجرای احکام؛

۴- آسیب‌های روحی و روانی به وی به سبب مصادره اموال.

۱-۲. آسیب روحی: روح و روان انسان ممکن است به صورت عمدی یا سهوی مورد تعرض قرار گیرد. این مهم مورد توجه حقوقدانان قرار گرفت و دامنه جبران خسارت از محدوده خسارات جسمی و مادی خارج گردید. در کامن‌لای انگلستان، آسیب‌های جسمی و روحی کاملاً در نهاد مسئولیت مدنی قرار داشته و در ادبیات حقوق خصوصی مورد بحث قرار گرفته‌اند (۱۲).

قانونگذار کشور ما به دلایل ذیل، خسارات جسمی و مادی را به طور مستقل مورد تحلیل قرار داده است (۱۳):

۱- خسارات مادی به صورت تقریباً کامل قابل جبران است، لیکن خسارات جسمی به صورت عینی قابل جبران نمی‌باشند؛
۲- نوع عمدی خسارات جسمی وارده، جرم‌انگاری شده و بنابراین با هدف بررسی تحلیلی مطابق چهارچوب ادبیات حقوق کیفری، نیاز است که نوع غیر عمدی خسارات جسمی نیز تحت این نهاد تحلیل گردد.

با این اوصاف ایراد خسارت جسمی به اشخاص تحت نهاد «دیه» در قانون مجازات اسلامی مورد بحث قرار گرفت و در خصوص آسیب‌های مادی، قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ مصوب گردید.

اما در خصوص آسیب‌های روحی دو نظریه مطرح است. برخی به استناد ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، خسارت روحی را دارای ماهیت مدنی می‌دانند (۱۴).

برخی دیگر به استناد ارتباط آن با مسائل جسمی و همچنین ذکر این مهم در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، آن را دارای ماهیت کیفری می‌دانند (۱۵).

آنچه پرواضح است این که قانونگذار به صورت جزئی به این مسأله اشاره نموده و این نهاد را به صورت دقیق تدوین ننموده است (۱۶).

با این حال عقیده بر این است که ماهیت این نوع از آسیب‌ها، مدنی می‌باشد و برای آن دلایل ذیل برشمرده شده است:

۱- با توجه به تعریف دیه مندرج در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی، نمی‌توان آسیب روحی را بدان مستند نمود؛

۲- ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری در خصوص خسارات مادی به واسطه وقوع جرم بوده، لذا ماهیت آن کاملاً کیفری نیست؛

۳- در هر دو منبع مذکور (قانون مسئولیت مدنی و آیین دادرسی کیفری) جبران خسارت روحی تنها به وسیله عذرخواهی و اعلام رسمی براءت ممکن می‌باشد و پرداخت خسارت مادی در قبال آسیب روحی عمدتاً به هزینه‌های درمانی بازمی‌گردد که آن هم دارای ماهیت مدنی می‌باشد.

با این اوصاف خسارت روحی وارده، دارای ماهیت مدنی بوده که جبران این خسارت عمدتاً به هزینه‌های درمان بازمی‌گردد، چراکه این نوع خسارت در شمول دیه و یا ارش نمی‌گنجد و هیچ سازوکاری برای جبران مادی خسارت در نظر گرفته نشده، لذا این مهم جزئی از مسئولیت مدنی عام محسوب می‌گردد.

۲-۲. آسیب جسمی: آسیب وارده به جسم، مستقیماً در شمول قواعد کیفری قرار گرفته که حسب مورد می‌تواند مستوجب دیه و مجازات باشد. اصل بر این است که هیچ‌کس مجاز به آسیب جسمی به دیگری نیست. با این حال قانونگذار مواردی استثنایی از جواز این مورد را تصریح نموده است (۱۷).

ممکن است به سبب وابستگی معنوی محکوم‌علیه به مال، به سبب مصادره اموال دچار حمله قلبی گردد. ارتباط مستقیم این آسیب با مصادره اموال محل اختلاف حقوقدانان است. برخی معتقدند که رابطه سببیت منطقی مابین دو عامل مذکور وجود نداشته و برخی معتقد به وجود آن می‌باشند. در صورت تأیید وجود رابطه سببیت، امکان انتساب مسئولیت وجود ندارد.

۳. اصول حقوق بشر ناظر بر مصادره اموال: پیش از پرداختن به ماهیت حقوق بشری مصادره مال، به این نکته توجه شود که مسائل مذکور به صورت گسترده‌تر در ادبیات حقوق بشر اسلامی نیز ذکر شده، لیکن کشورهای غربی جهت اعمال برتری نسبت به جهانیان، منابع حقوق بشر منتسب به خود را برتر می‌دانند.

مهم‌ترین مخاطب منابع حقوق بشر غربی، حفظ شأن انسانی توسط دولت‌هاست. بر این مبنا، حتی والدین نیز حق تنبیه کودک خود را ندارند و در صورت گزارش، مأموران پلیس سریعاً به موضوع رسیدگی می‌نمایند (۱۸).

با وجود تأکید بر حق دسترسی شهروندان به نظام دادرسی عادلانه، لزوم حفظ شأن انسانی به کرات مورد تأکید قرار گرفته است.

در کشور ما نیز به صورت پراکنده به این مهم توجه شده که در کل، دامنه وسیع‌تری نسبت حقوق بشر غربی را دربر می‌گیرد.

۳-۱. حفظ کرامت انسانی: مخاطب اصلی منابع حقوق بشر غربی، حمایت از شأن انسان‌ها توسط دولت‌هاست که عمدتاً در قالب عدم تبعیض نژادی و رعایت حقوق انسانی تأکید شده است. در کشور ما مصادیق حمایت از شأن انسانی شامل موارد ذیل می‌باشد (۱۹):

- ۱- تأسیس مستثنیات دین؛
- ۲- مقررات نیروهای مسلح در خصوص لزوم تنبیه نظامی به دور از چشم نیروهای مادون؛
- ۳- تلاش شورای حل اختلاف برای تخلیه املاک بدون آنکه به زور توسل گردد؛

۴- جرم‌انگاری توهین در قوانین کیفری؛

۵. تعیین مهرالمثل و نفقه، باتوجه به شأن زوجه.

رعایت کرامت انسانی در دادگاه‌ها یک ضرورت محسوب شده که به جهت بدیهی بودن، نیازی به ذکر آن محسوس نیست. بنابراین تا زمانی که عمل خارج از عرف توسط مراجعه‌کننده سر زده باشد، مقامات قضایی حق برخورد تند با ارباب رجوع را نخواهند داشت.

۳-۲. اجرا با نظارت قانونی: چنانچه بیان شد، نهادهای شبه قضایی به نوبه خود دارای واحد اجرای احکام می‌باشند. در منابع ناظر بر عملکرد این سازمان‌ها توصیه شده که این اعمال می‌بایست کاملاً در چهارچوب امور حقوقی قرار گیرد. در راستای اجرای این ماده حقوقی، بنا به دستور مستقیم شخص رییس قوه قضاییه، جملگی اقدامات اجرایی این نهادها

می‌بایست با نظارت نماینده دادستان انجام شود (۲۰). این اقدام با هدف مهار قدرت اجرایی این نهادها می‌باشد. برخی از نهادها فاقد واحد اجرای احکام بوده و در این خصوص مستقیماً از قوه قضاییه کمک می‌گیرند. اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی در شمول این گروه قرار دارد، لذا ارتکاب اعمال خلاف قانون در این مسیر تقریباً محال است (۲۱)، اما دیگر نهادها نظیر شهرداری، در صورت عدم رعایت اصول قانونی حاکم بر اجرای احکام، دارای مسئولیت حقوقی خواهند بود.

۳-۳. حفاظت از جان متهم: چنانچه بیان شد، حمایت از جان اشخاص از بدیهیات حقوقی بوده و نیاز به ذکر مستقیم در منابع حقوقی ندارد. موارد مجاز آسیب جانی به مجرمان، تحت شرایط خاص مشخص شده، لذا مأمورین اجرای احکام خارج از این موارد حق اقدام غیر قانونی نخواهند داشت (۲۲). با این اوصاف تمامی واحدهای اجرای احکام قضایی و شبه قضایی در حین اجرای احکام، می‌بایست رعایت حفاظت از جان متهم را در دستور کار خود قرار دهند.

روش

روش مطالعه مقاله، به صورت تجزیه و تحلیل کیفی است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

نتیجه نهایی اینکه در وضعیت کنونی در کشور ما نمی‌توان مسئولیت خاص جبران خسارت روحی و جسمی وارده به محکوم‌علیه را تبیین داشت، در صورتی که لزوم تبیین این گونه مسئولیت در منابع حقوق بشری و همچنین رویه حقوقی نظام‌های حقوقی کاملاً مشهود می‌باشد.

بحث

۱. **رویه حقوقی نظام حقوقی کامن‌لا:** نظام حقوقی کامن‌لا تا حد زیادی از اصول حقوق بشر غربی اثرپذیر بوده است (۲۱). در کشورهای دارای این نوع نظام حقوقی، به مانند دیگر کشورها واحد اجرای احکام وجود دارد و از این حیث تفاوتی در عملیات اجرایی مشهود نیست. با این حال در محل اجرای احکام، تفاوت‌هایی با نظام حقوقی کشورمان مشهود بوده که به شرح ذیل تشریح گردیده است.

۱-۱. **رتبه بندی وضعیت مالی:** در کشورهای استرالیا، سوئد و ایالات متحده آمریکا، دولت ضمن رصد دقیق وضعیت درآمدی شهروندان، آنان را در گروه‌های مختلف جای داده است. در ایالات متحده آمریکا و استرالیا گروه‌های ده‌گانه و در سوئد تقسیم‌بندی پنج‌گانه وجود دارد (۲۱). کاهش درجه‌بندی به معنای کاهش فاصله طبقاتی می‌باشد. رویه قضایی ایالات متحده آمریکا و استرالیا به مأمور اجرای احکام این اختیار را داده که به تشخیص خود در تناسب وضعیت مالی و مال مصادره‌شده، اعمال مصادره را در غیاب وی انجام دهند، در غیر این صورت خود مسئول جبران خسارت خواهد بود (۲۲). این رویه در استرالیا و ایالات متحده آمریکا به چنین مقرره‌ای مبدل شده که گروه‌های درآمدی ۸، ۹ و ۱۰ که جزئی از قشرهای ضعیف جامعه محسوب می‌گردند، از حضور در محل اجرای احکام غیر منقول منع شوند (۲۳). در خصوص مال منقول بسته به تناسب با وضعیت مالی محکوم‌علیه، قاضی اجرای احکام از اختیار ممنوعیت حضور محکوم‌علیه برخوردار است، در صورتی که پس از مدت ۱ ماه از مصادره مال، محکوم‌علیه مدعی خسارات جسمی و روحی شود، بدان رسیدگی شده و معمولاً اگر مال غیر منقول باشد، مأمور اجرا محکوم‌به پرداخت دیه مشتمل بر خسارت روحی و جسمی خواهد شد (۲۴).

۱-۲. **پیش‌بینی خطر:** طی کنکاش در بخش پیشین، پرواضح بود که شناسایی وضعیت خطر می‌بایست توسط مأمور اجرای احکام انجام شود. در دیگر نظام‌های حقوقی کامن‌لایی این وضعیت وجود داشته و در انگلستان این اختیار بسیار وسیع‌تر است. در کشور کانادا مأمور اجرای احکام مطلقاً مسئول پرداخت دیه به محکوم‌علیه مدعی خسارت روحی و جسمی

بوده که مقدار آن توسط پزشکی قانونی مشخص می‌گردد (۲۴). در رویه قضایی این کشور، مصادره مال شرکت در مقابل سهامداران و مصادره هر نوع مالی در مقابل افراد معاف از مالیات که جزئی اقشار نیازمند جامعه محسوب می‌شوند ممنوع و مستوجب مسئولیت حقوقی مأمور اجرای احکام می‌باشد (۲۵).

در رویه قضایی انگلستان این موارد به صورت مطلق پذیرفته نشده، اما اختیار بالای مأمور اجرای احکام ضمن اطمینان از رفع مسئولیت کیفری به واسطه تشریح نظریات خود، موجب تصمیم‌گیری آزادانه در این مورد می‌گردد (۲۶). در این کشور به مانند کانادا برخی از اقشار که دارای درآمد نسبتاً اندک می‌باشند از مالیات معاف بوده که به معنای وضعیت مالی ضعیف آنان می‌باشد. تحت این شرایط است که مصادره مالی که به نظر قاضی مستوجب خطر آسیب روحی و جسمی برای آنان می‌باشد، ممنوع است، لیکن مأمور می‌بایست ادله خود را در فرمان اجرایی ذکر نماید تا بدین‌صورت از مسئولیت حقوقی مرتبط معاف باشد.

در تمامی نظام‌های حقوقی کامن‌لایی به این مسأله توجه شده که به سبب وابستگی محکوم‌علیه به مال، ممکن است در حین مصادره، آسیب‌هایی متوجه وی باشد. در تمامی این نظام‌های حقوقی، خسارت روحی به مانند خسارت جسمی مستوجب دیه بوده که از آن با نام خسارت نقدی نام برده می‌شود. پزشکی قانونی نقش اصلی در تعیین آن را ایفا می‌نماید.

۲. **تحلیل حقوقی:** تا اینجا با اصول و قواعد ناظر بر حقوق محکوم‌علیه در جریان اجرای احکام آشنایی صورت گرفت. نیاز است که در خصوص مسئولیت حقوقی مأمورین اجرای احکام در این خصوص تحلیل حقوقی صورت پذیرد. تحلیل مد نظر از دو جنبه اقدام قانونی و غیر قانونی بررسی و تحلیل گردیده است.

۲-۱. **اجرای مصادره به طریق قانونی:** پیش از بررسی این موضوع، می‌بایست به این سؤال پاسخ داد که اجرای عمل مصادره به طریق قانونی چیست. ابتدا جمع‌بندی موارد قانونی در خصوص پیش‌نیازهای اجرای احکام ذکر گردیده است:

۱- تمامی عوامل خطرزای انسانی از میان برداشته شده باشد (۲۳)؛

۲- اخطارهای لازم به محکوم‌علیه داده شود (۲۴، ۴۸)؛

۳- در صورت پیش‌بینی برخی مشکلات، اقدامات مقتضی با کمک ضابطین انجام شده باشد (۲۵، ۴۹)؛

۴- مأمورین اجرای احکام قواعد درگیری با مهاجم که معمولاً به نیروهای نظامی و انتظامی آموزش داده می‌شود را کاملاً رعایت نمایند (۲۶، ۵۰)؛

اما منابع حقوقی در برخی موارد دارای سکوت می‌باشند. مصادیق این سکوت در دیگر نظام‌های حقوقی مشهود است. اهم این موارد شامل موارد ذیل است:

۱- مصادره مال در مقابل چشمان متهم که در کشورهای کانادا و انگلستان ممنوع شده است (۲۷)؛

۲- در مواردی که ضابط دادگستری عام نیست، تکلیف نیروهای غیر مسلح در مقابل هجمه محکوم‌علیه چیست. در کشورهای انگلستان و فرانسه حضور مأمورین قضایی بدون ضابطین مسلح ممنوع می‌باشد (۲۸)؛

۳- در خصوص تخلیه امن و بدون آسیب به اموال منقول متهم، منبع حقوقی خاصی مشهود نیست. این در حالی است که در کشورهای آلمان و سوئد، لزوم تخلیه امن به دور از چشم محکوم پیش‌بینی شده و هزینه آن به جزای نقدی وی افزوده می‌شود (۲۹).

در وضعیتی که مصادره مطابق با موارد قانونی نخست انجام شود، هیچ مسئولیتی به پای مأمورین اجرا وجود نخواهد داشت، اما در خصوص حالت دوم، اختلاف نظرهایی وجود دارد. در اکثر موارد مشهود بوده که مصادره در مقابل چشمان محکوم انجام شده و اموال وی در کوتاه‌ترین زمان به بیرون پرتاب می‌گردد. مسئولین قضایی این اقدام را در چهارچوب قانون می‌دانند، اما در پاسخ می‌توان چنین بیان داشت که تخلیه اموال منقول محکوم، مستوجب مسئولیت ضمان برای مأمورین می‌باشد که به صورت خاص مورد بحث قرار نگرفته است. در خصوص مصادره در مقابل چشمان محکوم، نمی‌توان ماده قانونی یافت که رسماً این عمل را ممنوع نموده باشد. با

این اوصاف این اقدام در کشور ما به عنوان فعل/ ترک فعل زیانبار محسوب نمی‌گردد. نیاز است که قانونگذار این اقدام را ممنوع اعلام دارد، چراکه ممکن است به واسطه فشار روانی وارده به متهم، موجبات سکنه قلبی و مغزی فراهم گردد.

۲-۲. اجرای مصادره به طریق غیر قانونی: در صورتی که در حین اجرای قانون، فعل/ ترک زیانبار که حسب صراحت قانون و یا عرف، به عنوان رکن نخست مسئولیت مدنی شناخته شود، ارتکاب یابد، به شرط ارتباط سببی مستقیم با خسارت وارده، مرتکبین مسئول خواهند بود (۳۰).

در یک مورد مشهود بوده که شهرداری در حال تخریب یک ملک بوده که به طریق غیر قانونی ساخته شده بود. نماینده دادستانی در محل حضور نداشت و متصرف مال که پیرزنی باسابقه بیماری قلبی بود، به جلوی ماشین لودر رفته و حتی بر آن سوار شد و در نهایت به سبب عارضه قلبی درگذشت. فعل زیانبار شهرداری محرز شد، لیکن عارضه قلبی به مشکلات دیابتی محکوم‌علیه نسبت داده شد، لذا شهرداری از مسئولیت میرا گردید (۳۱).

۲-۳. خسارت روانی: آنچه انتظار می‌رفت اینکه به سبب ایجاد مشکل روحی و روانی، خسارت مادی به متهم پرداخت گردد و این مهم در کامن‌لای انگلستان مشهود می‌باشد (۳۲). بنابراین صرف ایجاد مشکلات روانی به هر شخص، مستوجب ضمان مسئولیت مدنی خواهد بود که در کشور ما این مسأله دارای ابهام می‌باشد (۳۳). آنچه از سیاق منابع پراکنده استخراج می‌گردد، اینکه صرف ایجاد خسارت روحی و روانی مستوجب مسئولیت مدنی نخواهد بود (۳۴). در حله نخست اگر خسارت روحی به سبب خدشه به اعتبار و آبروی شخصی ایجاد شده باشد، نیاز است که به طریق رسمی از وی اعاده حیثیت گردد و این مسأله به صراحت در قانون مسئولیت مدنی و چند منبع حقوقی دیگر ذکر شده است، اما اگر کتاب دیه قانون مجازات اسلامی مورد تدقیق قرار گیرد، هیچ‌گونه دیه یا ارزش بابت خسارت روحی و روانی در نظر گرفته نشده است.

مسئولیت مدنی منجر به خسارت روحی و روانی، در شمول قواعد خاص مسئولیت مدنی قرار ندارد و این مهم موجب مشقت تحلیل و انتساب مسئولیت حقوقی مرتبط بدان می‌گردد (۳۵). در این وضعیت به موجب قواعد عام مسئولیت مدنی، تنها هزینه درمان و روان‌بخشی برای مسبب این واقعه قابل احراز است، در صورتی که این آسیب‌ها در شمول دیه باشد؛ به موجب ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، تنها دیه برای آن محرز بود و هزینه‌های درمانی مستقل را شامل نمی‌شد، اما در تعمیم قواعد عام مسئولیت مدنی، هزینه‌های درمان جزئی از خسارت لازم‌الجبران محسوب می‌گردد.

۲-۴. رویه قضایی: آنچه در رویه قضایی موضوع مورد بحث مشهود است، اینکه جبران خسارت روحی تنها به هزینه‌های درمانی محدود می‌گردد. بنابراین دیه یا ارش به آن اختصاص نمی‌یابد (۳۶).

در خصوص مصادره مال در مقابل چشمان محکوم‌علیه، رویه قضایی این حق را برای محکوم‌علیه به رسمیت نشناخته که عمل مصادره به دور از چشمان وی انجام شود. در بررسی احکام مشابه چنین برداشت شده که حتی اگر این عمل منجر به عارضه قلبی یا مغزی محکوم‌علیه گردد، باز هم مسئولیتی به پای مأمورین اجرا وجود نخواهد داشت (۳۷).

در خصوص رفتار تند مسئولین اجرا با محکوم‌علیه، به صورت سلیقه‌ای رفتار می‌گردد. در مواردی معدود مشهود بوده که رفتار غیر فیزیکی خارج از عرف مسئولیت اجرا موجب تکدر خاطر محکوم‌علیه شده و مسئول مذکور به جبران خسارت روحی وی محکوم گردیده است (۳۸)، اما در مواردی کثیر مشهود بوده که صرف رفتار تند غیر فیزیکی، هیچ مسئولیتی را برای مسئولین به همراه نداشته است (۳۹).

با این حال عدم مهار محکوم‌علیه در زمان اجرای احکام، همواره مسئولیت‌زا بوده و در صورت بروز خسارت جانی، مسئولیت حسب سهم تقصیر، تعیین می‌گردد (۴۰). به هر حال مسئولین اجرا در مهار محکوم‌علیه معترض دارای مسئولیت می‌باشند.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر در کشور ما، مسأله اجرای احکام در عدم حضور محکوم‌علیه، پیش‌بینی نشده است. مأمورین اجرای احکام تنها به قوانین عام پایبند بوده و تنها در صورت تخطی از آن مستوجب مسئولیت‌های حقوقی و کیفری خواهند بود. در نظام حقوقی کامن‌لا به مسأله مذکور توجه شده و محدودیت‌های اجرای احکام به صورت رویه قضایی و با اختیار مأمور اجرای احکام اعمال می‌گردد. اصول کلی حقوق بشر نیز ناظر بر این مسأله بوده و رعایت حفظ شان محکوم‌علیه توصیه گردیده است.

همچنین ابهام در نحوه جبران خسارت روحی، موجب شده که مسئولیت جبران خسارت تنها به عذرخواهی از طریق جراید محدود گردد. این در حالی است که جبران خسارت روحی حداقل می‌بایست به تأمین هزینه‌های درمانی مرتبط باشد.

پیشنهادهات: مبتنی بر نتایج حاصله، پیشنهاد می‌گردد که:

- برای تبیین جزئیات خسارات روحی، منبع حقوقی وضع شده و قواعد و مسئولیت تعیین این نوع خسارات به درستی مشخص گردد.

- ضمن اصلاح قوانین متعدد احکام قضایی و شبه‌قضایی، برای شناخت ارتباط عاطفی مابین محکوم‌علیه و مال مصادره‌شده معیار تعیین شده و در صورت احراز تعلق، مصادره مال در حضور محکوم‌علیه ممنوع اعلام گردد.

مشارکت نویسندگان

حمید خورشید کردلر: نگارش اولیه مقاله.

حسین رستم‌زاد: نظارت در تمامی مراحل کار.

احسان جاوید: اصلاحات و پیگیری مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Takhleh A. Electronic Contracts and Contractualization in Iranian Law. Tehran: Qanun Yar; 2017. p.57-58. [Persian]
2. Hayati A. Civil Procedure Code in the Current Legal System. Tehran: Mizan Publications; 2011. p.69-71. [Persian]
3. Darabpour M. Principles and Foundations of International Trade Law, Competition Law, Representation, Electronic Commerce and Intellectual Creations. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2018. p.141-145. [Persian]
4. Dokohki M. Criminal Investigation of Computer and Cyber Crimes. Tehran: Qanun Yar Publications; 2018. p.185-188. [Persian]
5. Rezavand M. Principles of Applied Jurisprudence. Tehran: Samt Publications; 2018. p.185-190. [Persian]
6. Zali M. Review of Executive Problems Regarding the Seizure of Property. Tehran: Majd Publications; 2018. p.158-160. [Persian]
7. Shams A. Execution of Civil Judgments. Tehran: Drak Publication; 2018. p.58-60. [Persian]
8. Shams A. Civil Judgment Enforcement. Tehran: Drak Publication; 2023. p.195-200. [Persian]
9. Katouzian N. Generalities of Law. Tehran: Publishing Joint Stock Company; 2016. p.145-150. [Persian]
10. Kazrani Y. Electronic Transactions. Kermanshah: Golchin Adab Publication; 2020. p.145-150. [Persian]
11. Ebrahimi Ghaffar Z. Smart Contracts and Their Role in Creating Value from the Perspective of Banks, Seventh National Conference on Electronic Banking and Payment Systems. Tehran: Mizan Publications; 2017. p.47-48. [Persian]
12. Azari H, Tabatabai Hesari N. The Iranian Legal System Challenges regarding Accession to the Human Rights Treaties from the Perspective of International Law. Comparative Law Review. 2017; 8(1): 1-24. [Persian]
13. Emami M, Ghahremani H. The relationship between citizenship rights and national security with a look at the Iranian legal system. Journal of Disciplinary Knowledge of West Azerbaijan. 2020; 13(49): 12-24. [Persian]
14. Bahrami A. Investigating the supervisory performance of the National Supervisory Organization on government agencies in order to improve the business environment. Human Rights and Citizenship. 2019; 4(1): 55-70. [Persian]
15. Salimian A, izadpanah G, Ahmadian S. A Study of the Independence of the Judiciary and Advocacy from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law and International Law. Adl va Ensaf Comparative Law Researches Quarterly. 2021; 3(11): 7-29. [Persian]
16. Bearak J, Popinchalk A, Ganatra B, Moller A, Tunçalp Ö, Beavin C, Alkema L. Unintended pregnancy and abortion by income, region, and the legal status of abortion: estimates from a comprehensive model for 1990–2019. The Lancet Global Health. 2020; 8(9): e1152-e1161.
17. Endler M, Lavelanet A, Cleeve A, Ganatra B, Gomperts R, Gemzell-Danielsson K. Telemedicine for medical abortion: a systematic review. BJOG: An International Journal of Obstetrics & Gynaecology. 2019; 126(9): 1094-1102.
18. Fuszara M. Abortion and the Formation of the Public Sphere in Poland. In Gender politics and post-communism. 2018; 1(1): 241-252.
19. Kortsmit K, Jatlaoui T, Mandel M, Reeves O, Petersen E, Whiteman M. Abortion surveillance-United States. 2018. MMWR Surveillance Summaries. 2020; 69(7): 1.
20. Moseson H, Herold S, Filippa S, Barr-Walker J, Baum S. Self-managed abortion: a systematic scoping review. Best Practice & Research Clinical Obstetrics & Gynaecology. 2020; 63(1): 87-110.
21. Raymond E, Grossman D, Mark A, Upadhyay U. Commentary: No-test medication abortion: a sample protocol for increasing access during a pandemic and beyond. Contraception. 2020; 101(6): 361-366.
22. Raymond E, Chong E, Winikoff B, Platais I, Mary M., Lotarevich T. TelAbortion: Evaluation of a direct to patient telemedicine abortion service in the United States. Contraception. 2019; 100(3): 173-177.
23. Rocca H, Samari G, Foster D, Gould H, Kimport, K. Emotions and decision rightness over five years following an abortion: An examination of decision difficulty and abortion stigma. Social Science & Medicine. 2020; 248(1): 11-15.
24. Parvizi S, Ghodrati F. A Comparative Approach to the Legitimacy of Uterine Surrogacy in Jurisprudence in Iran and Some Muslim Countries in the Middle East, a Systematic Review. Current Womens Health Reviews. 2025; 20(1): 19-25.
25. Eriksson L. What is the cure for absolute infertility? Biomedicalisation and routinisation of

- surrogacy and uterus transplantation in Nordic medical journals. *BioSocieties*. 2024; 1(1): 1-23.
26. Sadeghi H, Nasser M. Examining the role of Smart Contracts in the development of the electronic registration system of documents. *Perspectives on Judicial Law*. 2018; 23(84): 101-124. [Persian]
27. Jafari Kalishadi E. General Criminal Law, General Criminal Law Based on the Islamic Penal Code. Tehran: Jangal Publications; 2018. p.55-60. [Persian]
28. Saed M, Pourbagher H. Insanity in Modern Criminal Law. Tehran: Roshd Publications; 2019. p.99-100. [Persian]
29. Aghaeinia H. Crimes against Persons. Tehran: Mizan Publications; 2016. p.88-90. [Persian]
30. Curzi L. General principles for business and human rights in international law. Paris: BRILL; 2021. p.47-50.
31. Talmon S. Recognition in international law: A bibliography. Paris: BRILL; 2021. p.66-70.
32. Buchanan A. Justice, legitimacy and self-determination: Moral foundations for international law. Oxford: Oxford University Press; 2007. p.55-60.
33. Gholami Y, Javadi M, Moghadasi M. Analyzing the Challenges of the Auction in the Law on the Enforcement of Civil Judgments. *Majlis and Rahbord*. 2024; 31(117): 273-303. [Persian]
34. Kashkuli M. Critique of the Law on the Execution of Civil Judgments. *Law Quarterly*. 2018; 5(12): 69-72. [Persian]
35. Elsan M, Manouchehri M, mazlouni S. Detention of Debtor's Conditions & Exceptions in Executing Financial Convictions. *The Judiciary Law Journal*. 2022; 86(120): 49-71.
36. Londonian H, Darvishi B, Rostami V. Taxpayers' rights in tax collection operations in light of citizenship rights. *Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(5): 957-976. [Persian]
37. Londonian H, Darvishi B, Rostami V. The authority for handling and the method of complaints about tax collection operations and other government demands. *Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*. 2023; 5(5): 1205-1224. [Persian]
38. Mohammadpour R. Critique and study of the law on the method of executing financial convictions. *Quarterly Journal of Today's Laws*. 2018; 2(4): 55-66. [Persian]
39. Mosali M, Sharifi E. Bitcoin and its impact on electronic commerce. *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*. 2019; 4(29): 89-96. [Persian]
40. Moghdadi M, Nekojoji N. Effective solutions for the implementation of civil judgments in Iran and France. *Comparative Law Bi-Quarterly*. 2017; 4(2): 129-152. [Persian]
41. Mousavi R, Azimi Gerkani H. A study of the jurisprudential and legal foundations of formal transactions with an approach to citizenship rights. *Scientific Research Journal of Medical Law*. 2019; 13(1): 73-86. [Persian]
42. Nasser M, Razavi S. Legal analysis of the function of smart contracts in digital transfers in financial markets. *Business Research Journal*. 2019; 93(1): 33-70. [Persian]
43. Nasser M, Sadeghi H. Validation and Legal Challenges of Using Smart Contracts with a Comparative Study of the Legal Systems of Iran and the United States. *Private Law Research*. 2019; 21(2): 1-25. [Persian]
44. Houshmand Firoozabadi H. Civil Liability arising from Environmental Damages. *Journal of Research and Development in Comparative Law*. 2019; 2(3): 397-424. [Persian]